

بررسی معادل‌یابی استعاره‌های مفهومی «لباس» و «کشتزار» درباره زنان در ترجمه‌های قرآن

مرضیه محمصص*^۱ و مونا مثنوی^۲

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. کارشناس ارشد گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
دریافت: ۱۴۰۲/۶/۱۹ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۹

چکیده

بر مبنای یافته‌های اخیر علوم شناختی، ذهن انسان با بهره‌گیری از تجربه‌های حسی روزمره به بازنمایی مفاهیم انتزاعی بر پایه مفاهیم عینی می‌پردازد. در قرآن کریم نیز شواهد فراوانی از این نحوه مفهوم‌سازی مشاهده می‌شود. در پژوهش حاضر، دو آیه از آیات قرآنی که به زوایای پر اهمیت در مفهوم‌سازی‌های استعاری درباره زنان پرداخته، در ترجمه‌های انگلیسی خانم‌ها بختیار و صفار زاده و ترجمه‌های فارسی دهه اخیر مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. این استعاره‌ها در بستر گسترده‌ای از انگاره‌های فرهنگی شکل گرفته‌اند و متأثر از تجربه‌های رایج دوران نزول قرآن هستند. مفاهیمی نظیر «لباس» و «کشتزار»، از جمله حوزه‌های مبدنی هستند که قرآن برای مفهوم‌سازی نحوه تعامل زنان و مردان از آن‌ها بهره گرفته است. در گام نخست نام-نگاشت‌های تسهیل‌گر در درک این دو مفهوم استعاری و تناظرهای میان قلمرو معنایی مبدأ و مقصد در آنها مشخص می‌شوند. این بررسی درجه بالایی از نظام‌مندی در استعاره‌های زبانی مربوط به زنان را نشان می‌دهد و در ساختاری کل‌نگر، یک مدل شناختی مطلوب در فرهنگ قرآنی را بازنمایی می‌کند. در ادامه ضمن دسته‌بندی ترجمه‌ها بر اساس روش‌های مختلف و با توجه به عناصر مفهومی حوزه‌های مبدأ (لباس و حرث)، به مقایسه معادل‌یابی مترجمان پرداخته می‌شود. بر اساس مبانی نظری پژوهش، ارائه ترجمه موفق در گرو انتخاب معادلی است که بیشترین قلمرو معنایی حوزه مبدأ را پوشش دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد از میان ۲۴ ترجمه انتخابی، معادل‌یابی آقای ملکی برای هر دو استعاره مفهومی، بیش از همه به این معیار نزدیک شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، زنان، استعاره مفهومی، نام‌نگاشت، لباس، حرث.

۱- مقدمه

براساس یافته‌های علوم شناختی، ذهن انسان با استفاده از تجربه‌های حسی روزمره به بازنمایی مفاهیم انتزاعی بر مبنای مفاهیم عینی می‌پردازد (Lakoff & Nunez, ۲۰۰۰:۴ م). معمولاً از استعاره به عنوان یکی از ویژگی‌های مختص به زبان یاد می‌کنند، در حالی که استعاره، ریشه در نحوه اندیشیدن انسان دارد. در واقع، نظام مفهومی رایجی که در قالب آن می‌اندیشیم و عمل می‌کنیم، اساساً از سرشتی استعاری برخوردار است. اما نظام مفهومی به گونه‌ای نیست که به طور معمول بتوان بر آن احاطه داشت.

سرشت، ساختار و عملکرد زبان به نحوی است که خود را وارد فرایند شناخت می‌کند. به عبارت دیگر، زبان علاوه بر نقش ابزاری، به صورت فعال در برش، چینش و پردازش معلومات در ذهن، تأثیرگذار است. این کارایی در فرایندهای ذهنی‌ای نظیر یاد سپاری، یاد آوری، رده‌بندی، مفهوم‌سازی و حافظه معنایی، خود را نشان می‌دهد. روندی که در زبان، به خصوص در دهه‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته، تأثیر عوامل فرازبانی در پردازش زبان است (قاسم‌زاده، ۱۳۷۹ش: ۵۶). استعاره از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، درک یک حوزه مفهومی انتزاعی در قالب یک حوزه مفهومی ملموس است (کوچش، ۱۳۹۳ش: ۱۴). بنابراین، از دیدگاه شناختی استعاره خصیصه‌ای مختص به زبان نیست و ریشه در نحوه اندیشیدن انسان دارد و زبان به عنوان شاهدهی معتبر و پر اهمیت که ماهیت نظام مفهومی انسان را برملا می‌کند مورد مطالعه قرار می‌گیرد (Lakoff & Johnson, ۲۰۰۳: ۳ م).

بررسی استعاره‌های قرآنی، پرده از خلاقیت زبانی آن بر می‌دارند. استعاره‌های بدیع از استعاره‌های مفهومی در قرآن پدید آمده‌اند. بنابراین، روش مناسب برای تحلیل آن‌ها بهره جستن از مدل شناختی استعاره است، زیرا این مدل، ابزار مفیدی برای مطالعه استعاره‌هاست و در عین حال با خلاقیت قرآن نیز همخوانی دارد (Shokr Abdulmoneim, ۲۰۰۶: ۹۷ م).

بررسی معادل‌یابی استعاره‌های مفهومی «لباس» و «کشتزار» درباره زنان... - مرضیه محمص و مونا مثنوی

رویکرد شناختی به استعاره‌های قرآن نه تنها به دلیل وجود مفاهیم استعاری در آن است، بلکه به دلیل استفادهٔ خلاقانه از این استعاره‌های مفهومی است. استعاره‌های موجود در متون دینی، تجلی استعاره‌های مفهومی نهفته در آن هستند. قرآن در میان متون دینی، ساختار پیچیده‌ای از استعاره‌ها را به کار می‌گیرد تا در اندیشهٔ مؤمنان تحوّل ایجاد کند. قرآن در معناشناسی واژگان دست برده و از این طریق جهان‌بینی عرب جاهلیت را دگرگون می‌سازد. قرآن واژه‌های تازه‌ای را ابداع نمی‌کند، بلکه به واژه‌های کهن معنای جدید می‌بخشد و به این واسطه، جهانی جدید در معنا پدید می‌آورد (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹ش: ۵۳۷).

«جنس» و «جنسیت» از واژه‌هایی هستند که به ویژه در مباحث زنان، بسیار از آن‌ها استفاده می‌شود. قرابت لفظی این دو، و نیز تعامل جنبه‌های بیولوژیکی و اجتماعی با یکدیگر موجب شده است که گاه، به جای یکدیگر به کار روند؛ این در حالی است که این دو واژه، از نظر جامعه‌شناسان عموماً معانی کاملاً متفاوتی دارند. واژه «جنس» به ابعاد بیولوژیکی مردانگی و زنانگی فرد یعنی کروموزوم‌ها و ژن‌ها محدود می‌شود که منجر به تفاوت‌هایی در ظاهر جسمانی می‌گردد (Maccob, Jacklin, ۱۹۷۴: ۳۹۵) و «جنسیت» مجموعه انتظاراتی است از مرد و زن، که در موقعیتی معین، چه باید بکند و ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه، آن‌ها را تعیین می‌کند (گرت، ۱۳۸۰ش: ۴۰).

به مجموعه‌ای از باورهای ذهنی که مبنای نگرش فرهنگی و اجتماعی به مفهوم جنسیت قرار می‌گیرند کلیشه‌های جنسیتی گویند. به عبارتی وجود این کلیشه‌ها باعث می‌شود که ویژگی‌های خاصی به طور جداگانه به زنان-مردان تعلق گرفته، به گونه‌ای که چنین مشخصاتی به لحاظ «خاص‌بودگی» (*specific*) و ویژه‌ی تنها یک جنس تلقی شود. بدین ترتیب مبنای قضاوت در مورد زن‌بودگی-مردبودگی عمل فرد نیست، بلکه جنسیت وی تعیین می‌کند که او دارای چه خصوصیات مثبت یا منفی غیر قابل تغییر یا تعدیل-صرف نظر از درست بودن قضاوت ارزشی- است. این کلیشه‌ها بیش از هر چیز در سطح زبان خود را نشان می‌دهد و

به شکل گزاره‌های مفهومی کاربرد دارد و بدین ترتیب در ادبیات و زبان هر جامعه‌ای به وفور پیدا می‌شود.

نگارندگان بر آنند تا در این پژوهش حوزه‌های مبدأ و مقصد در دو آیه از آیات مربوط به زنان را بر اساس رویکرد شناختی زبان استخراج و تحلیل نموده و سپس چگونگی انعکاس این استعاره‌ها را در ترجمه‌های زیر مورد بررسی دقیق قرار دهند:

ترجمه‌های انگلیسی خانم‌ها بختیار و صفارزاده و ترجمه‌های فارسی آقایان ارفع، استادولی، اشرفی تبریزی، انصاری، الهی‌قمشه‌ای، برزی، پورجوادی، حدادعادل، خرم‌دل، خسروانی، خواجوی، رضاخانی و ریاضی، نوبری، صفوی، عاملی، کاویان‌پور، کرمی، مشکینی‌اردبیلی، مصطفوی، مکارم شیرازی، ملکی و خانم صفارزاده.

۱-۱- سؤالات پژوهش

نگارندگان در تلاش هستند مدل مفهوم‌سازی قرآن در آیات مربوط به زنان را بر اساس رویکرد شناختی زبان استخراج و تحلیل نمایند. این تحقیق کیفی از لحاظ ماهیت و روش در زمره پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد و در صدد است به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- در مفهوم‌سازی‌های مربوط به زنان در آیات ۱۸۷ و ۲۲۳ سوره بقره از چه نام‌نگاشت‌هایی در قرآن استفاده شده است؟

- حوزه‌های مبدأ و مقصد در نام‌نگاشت‌های مربوط به زنان در آیات مذکور کدامند؟
- معادل‌یابی استعاره‌های مفهومی «لباس» و «کشتزار» در ترجمه‌های قرآن چگونه انجام شده است؟

۲-۱- پیشینه پژوهش

احتمالاً نخستین بار جاحظ در کتاب *الْحَيَوَان* به اصطلاح کنونی مجاز و نیز در کتاب *الْبَيَان* و *التَّبْيِين* به اصطلاح استعاره اشاره می‌کند (شریف رضی، ۱۴۰۶ق: ۱۰). پیشینیان،

بررسی معادل‌یابی استعاره‌های مفهومی «لباس» و «کشتزار» درباره زنان... - مرضیه محمص و مونا مثنوی

پژوهش‌های متعددی پیرامون استعاره‌های قرآن داشته‌اند. ابن‌قتیبه (۲۷۶-۲۱۳ق) نخستین بار بخشی از کتاب *تأویل مشکل القرآن* را به مجازها و استعاره‌های قرآن تخصیص می‌دهد. انگیزه وی از نگارش این مبحث، کلامی بود، از آن رو که لغزش بسیاری از تأویل‌های قرآن به مجازها و استعاره‌های قرآن باز می‌گشت، تا جایی که برخی از این تأویل‌های نادرست، منجر به پیدایش مذاهب کلامی نیز شده بود (شریف‌رضی، ۱۴۰۶ق: ۱۵). شریف‌رضی (۴۰۶-۳۵۹ق) نخستین اثر مستقل پیرامون مجازها و استعاره‌های قرآن را با عنوان *تلخیص البیان فی مجازات القرآن* می‌نگارد (شریف‌رضی، ۱۴۰۶ق: ۱۸).

سید قطب (۱۳۲۴-۱۳۸۶ق) در کتاب *التصوّر الفنی فی القرآن* با رویکردی جدید به بررسی استعاره‌های قرآن با دیدگاه سنتی پرداخته و معتقد است تصویر، ابزار مناسبی برای بیان مفاهیم قرآن و معانی انتزاعی است. قرآن در بیان مطالب، منظره‌ای از حوادث و وقایع را برای مخاطب توصیف می‌کند، این مناظر شنیداری نزد مخاطب به منظره‌ای بصری مبدل می‌شود و صحنه‌ای مطلوب ارائه می‌دهد (سیدقطب، ۱۴۳۴ق: ۳۶). رویکرد مشترک سید قطب با نظریه استعاره مفهومی، استفاده از مفاهیم عینی برای تجسم و انتقال مفاهیم است، لکن وی، تنها به بیان کلیات اکتفا نموده و نحوه ارتباط محسوس و مجرد، تناظر حوزه‌های مفهومی و نیز پدید آمدن شبکه‌ای منسجم و نظام‌مند از مفاهیم را مورد بررسی قرار نداده است.

پس از طرح نظریه شناختی استعاره توسط جرج لیکاف (George Lakoff) و مارک جانسون (Mark Johnson) در سال ۱۹۸۰ با انتشار کتابی با عنوان *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*، پژوهش‌های متعددی بر این مبنا در قرآن انجام شده است. برای نمونه، قائمی‌نیا (۱۳۹۶ ش) در کتاب *استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن* به تحلیل نظریه استعاره مفهومی و کاربری آن در قرآن می‌پردازد.

در میان پژوهش‌هایی که با موضوع ترجمه استعاره‌های مفهومی قرآن انجام شده است

می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

«ترجمه‌پذیری تعابیر تشبیهی و استعاری در قرآن کریم با تکیه بر ترجمه‌های فرانسوی حمیدالله و کازیمیرسکی» از غفارزاده و جلیلی‌مرد، «کیفیت انتقال استعاره‌های آیات حجاب در ترجمه‌های فارسی بر اساس الگوی ترجمه نیومارک» نوشته علیرضا آزاد و سمیه جعفری ملک‌آبادی، «چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی در فرایند ترجمه» نوشته رضا امنی و یسرا شادمان و «تبیین سبک‌های گوناگون ترجمه استعاره‌های قرآنی» از اصغر جلالوند، حسین تک‌تبار فیروزجائی و مهدی ناصری.

همچنین در زمینه بررسی آیات مربوط به زنان پژوهش «بررسی رابطه دیگرخواهی زنانه با برخی آیات قرآن» توسط میترا پورسینا و شهلا رحمانی به نگارش درآمده است. اما با تتبع در پژوهش‌های موضوعی استعاره مفهومی در قرآن، پژوهش مستقلی در خصوص بررسی چگونگی معادل‌یابی مترجمان برای استعاره‌های مفهومی موجود در آیات مربوط به زنان یافت نشد. از این‌رو پژوهش حاضر دریچه‌ای نو به سوی بررسی روش معادل‌یابی برای استعاره‌های مفهومی قرآن می‌باشد.

۲- مبانی نظری پژوهش

استعاره از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، درک یک حوزه مفهومی در قالب یک حوزه مفهومی دیگر است. «حوزه مبدأ» (Source domain) قلمرو معنای تحت‌اللفظی است که به واسطه آن عبارات استعاری را شکل داده تا حوزه مفهومی دیگری را درک کنیم. «حوزه مقصد» (Target domain) قلمرو معنای استعاری است که بدین روش درک می‌شود (کوچش، ۱۳۹۳ش: ۱۴). مقصود از این‌که «حوزه مقصد به مثابه حوزه مبدأ درک می‌شود» این است که مجموعه‌ای از تناظرهای (Correspondences) نظام‌مند میان قلمرو مفهومی مبدأ و مقصد وجود دارند که عناصر مفهومی حوزه مبدأ را بر عناصر حوزه مقصد تطبیق می‌دهد. در بیان

بررسی معادل‌یابی استعاره‌های مفهومی «لباس» و «کشتزار» درباره زنان... - مرضیه محمص و مونا مثنوی

فنی به این تناظرهای مفهومی که در قالب نگاشت ریاضی مطرح می‌شوند، «انطباق» (Mapping) می‌گویند (کوچش، ۱۳۹۳ش: ۲۱). این انطباق‌ها کاملاً ساختار یافته‌اند، از این‌رو برای سهولت یادآوری انطباق‌هایی که در سیستم مفهومی وجود دارند، از راهبرد نام‌گذاری انطباق‌ها استفاده شده است.

این نام‌گذاری که با عنوان «نام‌نگاشت» (Name-Mapping) شناخته می‌شود در قالب یک عبارت شامل حوزه مبدأ و حوزه مقصد بیان گردیده و نشانگر استعاره مفهومی است. برای نمونه، عبارت «زندگی، سفر است» نام‌نگاشتی است که نمایان‌گر انطباق‌های میان دو حوزه زندگی و سفر است. گاهی نام‌نگاشت با انطباق اشتباه گرفته می‌شود. هرگاه به یک استعاره با استفاده از نام‌نگاشتی اشاره شود، در واقع مجموعه‌ای از انطباق‌ها مدنظر است. همچنین، نام‌نگاشت‌ها در قالب گزاره بیان می‌شوند، در صورتی که انطباق‌ها، گزاره نیستند (Ortony, ۱۹۹۳: ۲۰۷-۲۰۶ م).

لیکاف و جانسون ادعا می‌کنند که بخش اعظم نظام مفهومی معمول، به نحو استعاری ساخته می‌شوند، یعنی اکثر مفاهیم از طریق مفاهیم دیگر مجال درک می‌یابند. مفاهیم اصلی‌ای که به نحو مستقیم قابل درک‌اند، مفاهیم ساده‌ای مانند بالا-پایین، درون-بیرون، شیء-ماده و مانند آن هستند. مفهوم فضایی بالا برگرفته از تجربه فضایی ماست. ما صاحب بدن هستیم و قادریم راست بایستیم. فعالیت بدنی ما در زمین، حتی هنگامی که خوابیده‌ایم با جهات بالا و پایین سر و کار دارد. از این‌رو قادر به درک بی‌واسطه این مفاهیم فضایی از طریق تجربه شخصی مان هستیم.

درک مفاهیم بنیادی تنها تابع فیزیولوژی بدن ما نیست، بلکه هر تجربه‌ای در بستر گسترده‌ای از انگاره‌های فرهنگی شکل می‌گیرد. تمام تجربه‌ها حاوی مفروضات فرهنگی مان هستند، اما می‌توانیم تمایز چشمگیری میان تجربه‌هایی که بیشتر فیزیکی‌اند نظیر ایستادن و تجربه‌هایی که بیشتر فرهنگی‌اند نظیر حضور در جشن عروسی مشاهده کنیم. تجربه‌های

فیزیکی تحت هر شرایطی بنیادی‌تر از تمام تجربه‌های احساسی، ذهنی، فرهنگی و مانند آن نیستند. هر کدام از این تجربیات می‌توانند بنیادی‌تر از تجربه فیزیکی و جسمانی ما باشند. منتها در اکثر مواقع، چیزهای غیرمادی را به واسطه چیزهای مادی مفهوم‌سازی می‌کنیم. به عبارت دیگر، استعاره‌های مفهومی غالباً مفهومی عینی‌تر و ملموس‌تر را برای حوزه مبدأ و مفهومی انتزاعی‌تر را برای حوزه مقصد بر می‌گزینند (Lakoff & Johnson, 2003:60-56). این قاعده توضیح می‌دهد که چرا در اغلب استعاره‌های روزمره، حوزه‌های مقصد و مبدأ قابل جابه‌جایی نیستند. این ضابطه در استعاره‌های مفهومی به «اصل یک‌سویگی» (Unidirectionality) شناخته می‌شود (Jakel, 2002:22).

۳- استعاره‌های مفهومی مربوط به زنان در قرآن

بدون تردید، بهره بردن از ابزارها و دانش‌های نوین زبانی، نوعی تدبیر روشمند و تأمل در نکات نهفته قرآن کریم است که خود قرآن ما را بدان امر می‌کند ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمد/۲۴). مطالعات زبانشناختی در قرآن با تمرکز بر آیات ناظر به جنسیت، سبب تسهیل درک معانی این آیات ژرف می‌شود. زبان‌شناسان با ارائه ابزارهای نظری، افق جدیدی در این نوع مطالعات گشوده‌اند و نتایج این نوع پژوهش‌ها می‌تواند عرصه تازه‌ای در تبیین دقیق‌تر این معانی و مفاهیم قرآنی معرفی نماید. استعاره‌های قرآنی مربوط به زنان، جهانی از ابعاد هدایت روابط انسانی را ایجاد و جهت فکری خاصی را به اندیشه دینی می‌دهند.

برخلاف برخی نظرات جامعه‌شناسی که معتقدند انسان‌ها جدای از ویژگی‌های جسمانی در بدو تولد خنثی هستند و بعدها جنسیت تحت آموزه‌های اجتماعی بر وی عارض می‌شود. پژوهش‌ها حاکی از تفاوت‌های ذاتی از نظر ساختار جسمانی، روانی، رفتاری و عملکردی در بدو تولد هستند. مغز که مرکز فرماندهی بدن است در زنان و مردان ساختاری متفاوت دارد و سطح هورمون‌های زنان و مردان نیز تفاوت دارد. طبق بررسی‌های علمی هر کدام در زمینه‌ای استعداد بیشتری دارند، البته این تفاوت‌ها هرگز به معنای برتری جنسی بر جنس دیگر

بررسی معادل‌یابی استعاره‌های مفهومی «لباس» و «کشتزار» درباره زنان... - مرضیه محمص و مونا مثنوی

نبوده و نیست و همین تفاوت در زن و مرد سبب جذب دو جنس نسبت به هم می‌شود (مویز، جسل، ۱۳۹۹ ش: ۲۱-۵۴). در قرآن خلقت زن و مرد از سنت‌های الهی و جلوه‌ای از نشانه‌های قدرت خداوند مطرح شده است ﴿فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ (القیامه/۳۹). در آیاتی از قرآن کریم، با استفاده از استعاره‌های مفهومی به موضوع جنسیت پرداخته شده است. لازم به ذکر است استعاره‌ها در سازمان‌دهی نظریه‌ها از اهمیت بسزایی برخوردارند. خصوصاً هنگامی که اندیشمندان نتوانند یا نخواهد برخی از پدیده‌ها را به صورت مستقیم توصیف کنند، از تبیین استعاری بهره می‌برند، یعنی می‌گویند فلان پدیده به مثابه پدیده‌ای دیگر است یا به مانند آن عمل می‌کند. در این اسلوب که موارد آن در بسیاری از زمینه‌های علمی مشاهده می‌شود، استعاره مفهومی رکن اصلی تمثیل، قیاس و الگوسازی قلمداد می‌شود.

در این راستا دو استعاره مفهومی ﴿هُنَّ لِيَاسٌ لَّكُمْ﴾ (البقره/۱۸۷) و ﴿نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ﴾ (البقره/۲۲۳) مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار گرفته و چگونگی معادل‌یابی مترجمان از این دو استعاره واکاوی می‌شود.

۳- حوزه مبدأ لباس

واژه لباس و مشتقات آن ۲۳ بار در قرآن تکرار شده است. هر چند در بعضی آیات لباس در معنای معروف خود بکار رفته است؛ مانند ﴿... لِيَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾ (الحج/۲۳)، لیکن در بیشتر آیات، کاربرد استعاری دارد. بدین معنا که وجه شباهت‌هایی میان مفهوم ملموس و عینی لباس به عنوان حوزه معنایی مبدأ به یک مفهوم انتزاعی در حوزه معنای مقصد، نگاشت شده است. مانند: ﴿... لِيَاسِ النَّفْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنَ آيَاتِ اللَّهِ...﴾ (الاعراف/۲۶).

در آیه فوق مفهوم انتزاعی تقوا توسط مفهوم لباس، عینی‌سازی شده است؛ زیرا لباس هم بدن انسان را از سرما و گرما حفظ می‌کند، هم سپری است در برابر بسیاری از خطرهای هم عیوب

جسمانی را می‌پوشاند و هم زینتی است برای انسان، همان‌گونه روحیه تقوا و پرهیزکاری نیز علاوه بر پوشانیدن بشر از زشتی گناهان و حفظ از بسیاری از خطرات فردی و اجتماعی، زینت بسیار بزرگی برای او محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴-۱۳۷۱ش، ج ۶: ۱۳۲). در این بخش یکی از استعاره‌های مفهومی قرآن در خصوص زنان که در آیه ۱۸۷ سوره بقره، با استفاده از واژه لباس به تصویر کشیده شده، مورد مطالعه قرار می‌گیرد: ﴿هُنَّ لِيَاسٍ لِّكُم﴾ (البقره/۱۸۷). به منظور بررسی معادل‌های واژه لباس در این آیه در ترجمه‌های قرآن کریم، پیش از بحث در خصوص مفاهیم استعاری مرتبط، ابتدا مروری بر مفاهیم لغوی آن خواهیم داشت.

۳-۱- معنای لغوی «لباس»

لغت‌شناسان مسلمان ذیل ماده «لبس» به دو معنای (الف) ستر و پوشش و (ب) اختلاط و اشتباه اشاره کرده‌اند (برای مشاهده برخی از این موارد، نک. صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۸: ۳۲۹؛ زمخشری، ۱۳۹۹ق: ۵۵۷). دقت در عباراتی مانند «لَبَسَ الثَّوْبُ: پیراهن را پوشید» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۴۳) و «لَبَسْتُ عَلَيْهِ الْأَمْرَ: امر را بر او مشتبه نمودم» (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۶: ۲۰۲)، مشخص می‌کند که لبس به صورت «لَبَسَ، يَلْبَسُ، لُبْسًا» در اصل به معنای لباس و پوشاندن است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳ش: ۱۱۲) و اگر به صورت «لَبَسَ يَلْبَسُ لُبْسًا» باشد، در معنای خلط و مشتبه کردن است (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۹۷۳).

بازخوانی معنای این ماده در زبان باستانی آفریقایی-آسیایی سامی مشخص می‌کند که این ماده از دو واژه «ل» به معنای پوشیدن و «بس» به معنای قطعه‌ای از لباس که شرمگاه انسان را می‌پوشاند، ساخته شده است. ماده «لبس» پس از انتقال از زبان سامی باستان به شاخه‌های مختلف زبان سامی از جمله اکدی، آشوری، عبری، سریانی، سبایی، گعزی (حبشی) و عربی دچار توسعه معنایی شده و پس از افاده معنای «پوشیدن لُنگ»، به مطلق «پوشیدن لباس»

بررسی معادل‌یابی استعاره‌های مفهومی «لباس» و «کشتزار» درباره زنان... - مرضیه محمص و مونا مثنوی

انتقال معنایی یافته است. همین معنای متأخر در زبان‌های سامی است که بر اثر یک تحول معنایی، منجر به ساخت معنای «چیزی را چیز دیگر جلوه دادن» شده است. به این صورت که تلاش برای «وانمود کردن چیزی به جای دیگری» را مثل رفتار فردی می‌نگریستند که خود را با پوشیدن یک لباس به صورت دیگری در آورده است. این کاربرد معنایی در زبان‌های سامی و به ویژه زبان عربی حکایت از دو جنبه دارد: یکی «زینت‌بخشی» (لَبَسَ يَلْبَسُ) و دیگری «مخفی کردن یک حقیقت به منظور فریب» (لَبَسَ يَلْبَسُ). جنبه نخست کارکرد «پوشش» را به طور مثال می‌توان در آیه ﴿...وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا...﴾ (النحل/۱۴) مشاهده کرد. جنبه دوم کارکرد نیز در عبارات شریفه‌ای چون ﴿...وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ...﴾ (البقره/۴۲) دیده می‌شود (شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۹۵).

در زبان انگلیسی ریشه واژه (Garment) -به معنای لباس- واژه نیاهندواروپایی -wer* به معنی «محافظت کردن» است و یکی دیگر از ریشه‌های آن در انگلیسی میانه نیز کهن واژه garnysshen است که به معنای «تزیین کردن» می‌باشد (Wictionary, Garment).

۳-۲- نام‌نگاشت «زنان لباس هستند»

خداوند در بخشی از آیه ۱۸۷ سوره بقره، زن و شوهر را لباس یکدیگر معرفی می‌فرماید. از آنجا که این پژوهش قصد دارد ترجمه استعاره‌های قرآنی مربوط به زنان را مورد مذاقه قرار دهد، در این قسمت به طور خاص به بررسی عبارت ﴿هِنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ﴾ (البقره/۱۸۷) می‌پردازیم؛ هرچند توجه به این نکته خالی از لطف نیست که این اشارت ظریف، جنبه دو سویه دارد و نشانگر آنست که زن و مرد در کنار یکدیگر کامل می‌شوند. تمثیل لباس برای همسران، مساوات آنان را در تمام شئون زندگانی روشن می‌سازد، مگر مواردی که در شریعت اسلامی به زن یا شوهر اختصاص یافته است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۲۳۴). علامه طباطبایی در *المیزان* ذیل عبارت ﴿هِنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾ (البقره/۱۸۷) می‌نویسد: ظاهر کلمه لباس همان معنای معروفش می‌باشد، یعنی جامه‌ای که بدن آدمی را می‌پوشاند و این دو جمله از

قبیل استعاره است، برای این که هر يك از زن و شوهر طرف دیگر خود را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه دادن آن در بین افراد نوع جلوگیری می کند، پس در حقیقت مرد لباس و ساتر زن است، و زن ساتر مرد است (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۲: ۶۴).

قرآن کریم در این آیه برای تسهیل ادراک مخاطب از حوزه مفهومی ویژگی های زنان در قبال همسران شان، از حوزه مفهومی لباس استفاده نموده است. تبیین این استعاره حکیمانه، تدبیر در قلمرو معنای تحت اللفظی «لباس» را می طلبد؛ واژگانی نظیر محافظت کننده در برابر برخی آزار و صدمات، زینت بخش، بسیار نزدیک به بدن، ساتر عورات و مایه حرمت و آبرو در قلمرو معنای تحت اللفظی لباس هستند. همچنین از ویژگی های لباس اینست که اختصاصی، به اندازه بدن، متناسب با جایگاه صاحب لباس و پاک و دور از آلودگی باشد. حال می توان با نگاهی این عناصر مفهومی از حوزه مبدأ (لباس) بر عناصر حوزه مقصد (زن)، قلمرو معنای استعاری آیه را درک نمود.

جدول ۱: نگاهی عناصر مفهومی حوزه مبدأ بر عناصر حوزه مقصد در استعاره مفهومی «زنان لباس هستند».

حوزه مبدأ	حوزه مقصد
محافظت کننده در برابر گرما و سرما	پناه و پشتیبان در برابر سختی ها و ناملایمات
زینت بخش بدن	برازندگی و آراستگی ظاهری و معنوی برای همسر
بسیار نزدیک به بدن	ارتباط صمیمانه و نزدیک با همسر
ساتر عورات	پوشاننده عیوب و ایرادهای همسر
مایه حفظ حریم و مانع ریختن آبرو	حافظ حرمت و مانع رسوایی همسر
اختصاصی بودن	تعهد عاطفی و جنسی
به اندازه تن و متناسب با جایگاه صاحب	هم کفوی و تناسب فرهنگی، فکری و...

بررسی معادل‌یابی استعاره‌های مفهومی «لباس» و «کشتزار» درباره زنان... - مرضیه محمص و مونا مثنوی

لباس	
پاک و دور از آلودگی	پاک نگاه داشتن و دور کردن همسر از گناه

۳-۳- تحلیل نمونه‌هایی از معادل‌یابی مترجمان برای استعاره مفهومی لباس

همانگونه که ذکر شد ماده «لبس» دو گونه کاربرد دارد:

الف) به صورت «لَبَسَ يَلْبَسُ» به معنای «ستر و پوشش» (همین معنا در زبان‌های گوناگون سامی، پایه ساخت معانی استعاری متنوعی شده است).

ب) به صورت «لَبَسَ يَلْبَسُ» به معنای «اختلاط».

بنابراین واژه لباس - که دارای صورت فعلی «لَبَسَ يَلْبَسُ» می‌باشد - به معنای پوشش می‌باشد و در زبان فارسی مترادف واژه‌های پوشاک، جامه، رخت و تن‌پوش است.

در این بخش چگونگی معادل‌یابی در ترجمه‌های فارسی معاصر و دو ترجمه زنانه از قرآن به زبان انگلیسی، بر اساس میزان انتقال عناصر مفهومی حوزه مبدأ به حوزه مقصد در نام-نگاشت «زنان لباس هستند» و روش‌های مورد استفاده ایشان برای ترجمه بررسی می‌شود.

یکی از روش‌ها در انتقال پیام از مبدأ به مقصد، ترجمه تحت‌اللفظی می‌باشد. برخی از مترجمان معتقدند در متون دینی باید کاملاً به متن مقدس وفادار بود و پیام ذات باری تعالی را تغییر نداد. لذا ترجیح می‌دهند هنگام ترجمه کلام الهی عیناً از معادل واژه استفاده نمایند. اشرفی تبری، انصاری، حدادعادل، صفوی و بختیار، برای معادل‌سازی استعاره لباس در آیه مورد نظر، روش تحت‌اللفظی را برگزیده‌اند:

- آنها لباسند مر شما را (اشرفی تبری).
- آنان برای شما [به منزله] پوشش اند (انصاری).
- آنها پیراهن شمایند (حدادعادل).
- آنان جامه شمایند (صفوی).

• They (f)¹ are a garment for you (بختیار).

بنابر نظر نیومارک انتقال عینی "استعاره" از زبان مبدأ به زبان مقصد به شرطی مجاز است که "استعاره" مورد نظر در میان گویش‌گران زبان مقصد، شناخته شده باشد (غفارزاده و جلیلی‌مرند، ۱۳۹۷ش: ۶۳). در غیر این صورت متن ممکن است در هنگام برگردان استعاره به زبان مقصد دچار کاستی شود. از آنجا که استعاره «لباس» در زبان پارسی و عربی به یک حوزه مفهومی دلالت دارد، استفاده از روش تحت‌اللفظی برای ترجمه عبارت مورد نظر قابل قبول می‌باشد.

در مقابل مکارم شیرازی، استادولی، صفارزاده (در هر دو ترجمه انگلیسی و فارسی)، خرم-دل، کرمی و مشکینی اردبیلی روش "ترجمه تحت‌اللفظی استعاره با افزوده‌های تفسیری" را برای انتقال پیام متون مقدس انتخاب نموده‌اند:

- آنها لباس شما هستند؛... (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید) (مکارم شیرازی).
- آنان پوشش شمایند... (کنایه از آن که بسیار به هم نزدیکید و بر جدایی صبر نتوانید کرد) (استادولی).
- آنها لباس شما هستند... (نسبت به هم همچون رابطه تن و جامه نزدیک هستید و عیوب یکدیگر را می‌پوشانید) (صفارزاده).
- آنان لباس شمایند... (و دوری از آمیزش با یکدیگر برایتان بسی رنج آور است) (خرم‌دل).
- آنان پوششی برای شمایند... (و هر دو مایه‌ی شکوه یکدیگرید) (کرمی).
- آنها لباسند برای شما... (هریک زینت دیگری هستید و پوشاننده عیوب و حافظ از گناه او) (مشکینی اردبیلی).
- They are your garments...: (Being close To each other as well as covering up)

Each other's faults)

(صفارزاده).

همانطور که ملاحظه می‌شود در تمامی ترجمه‌های تفسیری، ابتدا معادل فارسی «لباس»/«پوشش» استفاده شده و سپس معنای پیام به کمک افزوده‌های تفسیری منتقل شده است. عبدالحسین طیب در تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن می‌نویسد: ﴿هُنَّ لِيَاسٍ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاسٍ لَهُنَّ﴾ (البقره/۱۸۷)، کنایه از این‌که زنها ساتر عیوب شوهرها و شوهرها ساتر عیوب زنها هستند چنانچه لباس ساتر عورت است، و حافظ شئون یکدیگر و اسباب زینت هم هستند، چنانچه لباس حافظ بدن و باعث زینت انسان است» (طیب، ۱۳۸۶ش، ج ۲: ۳۳۹). بنابر همین استدلال، مکارم شیرازی و مشکینی اردبیلی از میان عناصر حوزه مبدأ که بر حوزه مقصد نگاشت می‌شوند، «زینت‌بخش» و «پاک و دور از آلودگی» را برای افزودن به ترجمه خود برگزیده‌اند. مشکینی اردبیلی همچنین «ساتر عورات» بودن را برای انتقال معنا مناسب یافته است. استادولی عنصر «بسیار نزدیک به بدن» را انتخاب نموده و علاوه بر آن، همانند خرم‌دل، با توجه به عبارت شریفه «...خدا می‌دانت که شما به خود خیانت می‌کردید...» و شأن نزول آیه، به کم‌طاقتی همسران برای دوری از یکدیگر اشاره کرده است. صفارزاده در هر دو ترجمه فارسی و انگلیسی، ویژگی «بسیار نزدیک به بدن» و «ساتر عورات» بودن لباس را در قالب تفسیر به ترجمه خود افزوده است. در این میان کرمی فقط ویژگی «زینت‌بخشی» را معادل تفسیری مناسبی برای افزودن به متن دانسته است.

یکی دیگر از روش‌های هفت‌گانه که نیومارک در کتاب خود ذکر کرده، ترجمه استعاره به تشبیه است. در این روش جهت روشن ساختن معنی، به لفظی که در کلام حذف شده، اشاره می‌شود (غفارزاده و جلیلی‌موند، ۱۳۹۷ش: ۶۳). نمونه‌هایی از این روش در ترجمه الهی قمشه‌ای و رضاخانی و ریاضی مشاهده می‌شود:

- آنها جامه عفاف شما [هستند] (الهی قمشه‌ای).
- آنها جامه ستر و عفاف شما [هستند] (رضاخانی و ریاضی).

در هر دو ترجمه فوق، زن به جامه عفاف همسر خود تشبیه شده است و هر ۳ مترجم، «پاک و دور از آلودگی» بودن لباس را برجسته‌ترین ویژگی قلمرو معنای حوزه مبدأ تشخیص داده‌اند.

آخرین روشی که مترجمان پورجوادی، خواجوی و ملکی در ترجمه عبارت ﴿هِنَ لِبَاسٍ لَّكُمْ﴾ (البقره/۱۸۷) به کار برده‌اند، ترجمه به معنا می‌باشد. به گفته نیومارک در این روش تنها پیام استعاره بیان می‌شود:

- آنها مایه آرامش شما هستند (پورجوادی).
- آنان مایه آرامش شمایند (خواجوی).
- مثل یک روحید در دو بدن (ملکی).

خواجوی و پورجوادی معنای «آرام» و «مایه آرامش» را برای لباس به کار برده‌اند. یکی از موارد استفاده از واژه "لباس" در قرآن کریم، آیه ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا﴾ (النبأ/۱۰) است. در تفسیر *المیزان* چنین آمده است: یعنی ما شب را چون لباس ساتری قرار دادیم که با ظلمتش همه چیز و همه دیدنی‌ها را می‌پوشاند، همان‌طور که لباس بدن را می‌پوشاند، و این خود سببی است الهی که مردم را به دست کشیدن از کار و حرکت می‌خواند، و متمایل به سکونت و فراغت و برگشتن به خانه و خانواده می‌سازد» (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۲۰: ۲۶۲). خداوند متعال در آیه ۱۸۹ سوره اعراف می‌فرماید: ﴿وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾ (الاعراف/۱۸۹). از تلفیق مفاهیم فوق می‌توان نتیجه گرفت که شاید غرض پروردگار از عبارت شریفه ﴿هِنَ لِبَاسٍ لَّكُمْ﴾ (البقره/۱۸۷) این باشد که آرامشی را که زن به همسر خود هدیه می‌دهد، با تداعی آرامشی که هنگام در برکردن لباس به انسان مستولی می‌شود، به تصویر کشد. لیکن این روش برای رساندن معنا، آن هم در کلام الهی که چنین هنرمندانه دریایی از معانی را در یک عبارت کوتاه به بیان آورده است، مناسب به نظر نمی‌رسد.

در این میان ملکی با این که از روش ترجمه معنایی استفاده نموده و با عبارت «مثل یک

بررسی معادل‌یابی استعاره‌های مفهومی «لباس» و «کشتزار» درباره زنان... - مرضیه محمص و مونا مثنوی

روحید در دو بدن»، از حوزه معنایی مبدأ (لباس)، ویژگی «بسیار نزدیک به بدن» را استعاره از نزدیکی بسیار زیاد زوجین به یکدیگر دانسته - به مثابه یک روح در دو بدن-، لیکن در پاورقی چنین افزوده است: «همسران مثل لباس هم‌اند: عیب‌های همدیگر را می‌پوشانند، مایه زینت و زیبایی یکدیگرند، آبروی همدیگر را حفظ می‌کنند، باعث آرامش هم‌اند، نگهبان همدیگرند...» و این‌گونه کاستی ترجمه خود را جبران نموده است.

۳-۴- ترجمه پیشنهادی

در ترجمه استعاره، اگر معادل واژه در زبان مقصد بتواند پیام گوینده را منتقل کند، استفاده از ترجمه تحت‌اللفظی مناسب به نظر می‌رسد. لیکن هرچند واژه لباس در زبان فارسی دلالت بر هرگونه پوششی دارد، از آنجا که در عبارت موجز و بسیار کوتاه ﴿هن لباس لکم﴾ (البقره/۱۸۷)، معانی بلند و نکات ظریفی نهفته است، پیشنهاد می‌شود از روش ترجمه تحت‌اللفظی با افزوده تفسیری استفاده شود تا علاوه بر انتقال مستقیم کلام الهی به زبان مقصد، عناصر مفهومی حوزه مبدأ در نام‌نگاشت «زنان لباس هستند» نیز به حوزه مقصد انتقال یافته و مخاطب را در درک بیشتر متن مقدس یاری رساند:

«آنان برای شما لباس هستند و شما برای ایشان لباس هستید (عیب‌های همدیگر را می‌پوشانید، مایه زینت و زیبایی یک‌دیگرید، آبروی همدیگر را حفظ می‌کنید، باعث آرامش هم هستید، نگهبان هم‌دیگرید)...».

۴- حوزه مبدأ کشتزار

واژه حرث ۱۴ بار و در ۱۱ آیه از قرآن کریم به‌کار برده شده است. یکی از موارد کاربرد این واژه که در قالب استعاره‌ای پر معنا در خصوص زنان تجلی یافته، آیه ۲۲۳ سوره مبارکه بقره می‌باشد: ﴿يَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ...﴾ (البقره/۲۲۳)

وجه شبه کشت و زن، قدرت باروری زنان است. زن، پرورش‌دهنده بزرگ انسان‌هاست و

بقای نوع انسان مرهون مظهریت او در خالقیت و ربوبیت است. زن کارگاه صنع الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش: ۸۷). او مزرعه انسانیت است، نه تنها تکوین جسم بلکه تعالی روح فرزند هم از زمان صورت‌بندی در رحم مادر آغاز می‌شود. بنابراین، حرث را می‌توان محل تجلی و دمیدن روح از ناحیه خدا در انسان دانست (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۹ش: ۴۲-۴۷).

تشبیه انسان به گیاه در آیات دیگر قرآن نیز نمودار است مانند: ﴿وَاللَّهُ أَنْبَتُكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا﴾ (نوح/۱۷). خداوند انسان را به گیاهی تشبیه کرده که از زمین روییده می‌شود. این تعبیر درباره انسان پرمعناست و نشان می‌دهد که خداوند در هدایت، همچون کار یک باغبان است که بذره‌های گیاهان را در محیط‌های مساعد قرار می‌دهد تا استعدادهای نهفته آنها شکوفا گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴-۱۳۷۱ش، ج ۲۵: ۷۷). به دلیل برخورداری زن از همین قابلیت، او را به گیاهی تشبیه کرده، زیرا زن نیز مانند باغبان فرزند را هم در رحم و هم در دامن پر مهر خویش می‌پرورد. بر این اساس واژه‌ی حرث می‌تواند اشاره به شرایط حساس در دوران بارداری زن و اهمیت این دوران در سلامت جسمی و معنوی نسل انسان نیز داشته باشد. اگر زن باردار این دوران را با آرامش جسمی و روحی سپری کند و از اعتدال خلقی و روانی لازم برخوردار گردد، زمینه مساعدی را برای تسهیل تربیت‌پذیری کودک در آینده فراهم می‌کند (صبور اردوبادی، ۱۳۸۵ش: ۱۷۱).

در این بخش مروری بر مفاهیم لغوی واژه حرث داشته و سپس به بیان مفاهیم استعاری مرتبط با آن خواهد پرداخت. در نهایت ترجمه‌های قرآن کریم از این عبارت شریفه مورد مقایسه قرار گرفته و ترجمه پیشنهادی ارائه خواهد شد.

۴-۱- معنای لغوی «حرث»

لغویان در اغلب موارد معنای مصدری «حرث» را «ریختن دانه در زمین» دانسته‌اند (برای

بررسی معادل‌یابی استعاره‌های مفهومی «لباس» و «کشتزار» درباره زنان... - مرضیه محمص و مونا مثنوی

مشاهده برخی از این موارد نک. ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۱۰۴؛ خلیل بن احمد، ۱۴۰۹-۱۴۱۰ق، ج ۳: ۲۰۵؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۷۳). حرث بطور معمول به «کشتزار» اطلاق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۲: ۲۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴-۱۳۷۱ش، ج ۲: ۱۴۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۱-۱۴۲۰ق، ج ۲: ۳۵۲) و کاربرد آن در معنای اسم مفعولی (محروث = کشت‌کاریده) نیز شایع است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۲۶).

در توضیح اصل ماده «حَرَث» بین اهل لغت اختلاف‌هایی هست. برخی معنای آن را «شکافتن یک سطح هموار و زیر و رو کردن آن» دانسته‌اند (جبل، ۱۴۳۱ق: ۴۰۴). برخی معتقدند «حَرَث» این است که زمین شخم زده شود و بذریاشی شده و آن بذر آبیاری شود، و آخرین مرحله که شامل رویش گیاه و رسیدن محصول است را زرع گویند (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹: ۴۲۰) و به این نکته اشاره دارند که کاشتن از افعال انسان و رویانیدن از امور الهی است. برعکس برخی دیگر «حَرَث» را مرحله رسیدن محصول از طریق زرع دانسته و به همین مناسبت گفته‌اند «حرث» آن مقامی است که پس از زرع و قبل از چیدن محصول محقق می‌شود، یعنی رسیدن آنچه کاشته شده و سبز شدن آن؛ (مصطفوی، ۱۳۸۵ش، ج ۲: ۲۱۸).

معادل انتخابی مترجمان زبان انگلیسی برای واژه قرآنی «حرث»، عموماً واژگان *tilth* و *cultivation* - زمین آماده زارعت - بوده است. *tilth* ریشه در واژه *tilōnā* در زبان نیاژرمنی دارد که مفهوم «بدست آوردن» و «تلاش کردن» را می‌رساند. (*wictionary, tilth*) جستجو برای یافتن ریشه *cultivation* به **k^wel-* در زبان نیاهندواروپایی ختم می‌شود که به معنای «دور چرخیدن و در نهایت ساکن شدن» است. به نظر می‌رسد اشتقاق واژه *cultivation* از ریشه فوق، به ماجرای ساکن شدن انسان در کنار زمین‌های کشاورزی مربوط باشد (*wictionary, cultivation*).

۲-۴- نام‌نگاشت «زنان کشتزار هستند»

خداوند حکیم در آیه ۲۲۳ سوره مبارکه بقره از حوزه مفهومی کشتزار (حوزه مبدأ) به عنوان استعاره استفاده نموده تا ویژگی‌های خاص زنان (حوزه مقصد) به خوبی برای مخاطب، به ویژه مخاطب عصر نزول که مقوله زراعت و متعلقات آن کاملاً برایش واضح و البته ارزشمند بوده است، قابل درک باشد. برخی در تفسیر این استعاره گفته‌اند: این بیان دقیق حاوی نشانه‌هایی از ماهیت رابطه زناشویی و اهداف و جهت‌گیری‌های آن است و سایر روابط زن و شوهر را در بر نمی‌گیرد. جنبه‌های دیگر ارتباط زن و شوهر در جاهای دیگر و متناسب با سیاق آیات شرح و ذکر شده است. چنان‌که حق تعالی فرمود: «زنان لباس شما هستند» (البقره/۱۸۷) یا «برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنار آنان آرام گیرید، و میانتان مهر و محبتی قرار داد» (الروم/۲۱). هر یک از این عبارات، جنبه‌ای از آن رابطه عمیق عظیم را در جای مناسب خود به تصویر می‌کشد.

در مورد عبارت ﴿يَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ﴾ (البقره/۲۲۳)، بیان با زمینه آیه سازگار است. زیرا شرایطی را ذکر می‌کند که برای لقاح و تولید مثل مناسب است (سید قطب، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۲۴۲). عبارت ﴿وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ﴾ (البقره/۲۲۳)، در ادامه آیه، هدفمندی حرث را متذکر می‌شود. مراد از تقدیم برای خود، از پیش فرستادن اعمال صالح است و ابزار رسیدن به این مقصود، مراقبت از همسر، اداره امور و بهبود حال او و فراهم ساختن وسایل زندگی‌اش است. زیرا کاشتن بذر نیکو و بهره‌برداری از ثمرات آن در عالم آخرت، تنها از طریق صمیمیت با زنی که فرزند از او متولد می‌شود، حاصل می‌گردد (خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۲۵۴). لذا از شرایط داشتن فرزند صالح به مثابه توشه آخرت، انتخاب همسری متدین و دوری از اخلاق‌های ناپسندی است که به رابطه زن و شوهر آسیب می‌رساند و تربیت فرزندان را تباه می‌کند، زیرا به یقین انسان پروردگارش را در آخرت ملاقات خواهد کرد و خداوند نیکوکار را به نیکی و بدکار را به بدی خود پاداش خواهد داد (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۳۰۰).

با عنایت به توضیحات و تفاسیر فوق، برای درک قلمرو و معنای استعاری حوزه مقصد (زن)

بررسی معادلیابی استعاره‌های مفهومی «لباس» و «کشتزار» درباره زنان... - مرضیه محمص و مونا مثنوی

در این آیه، لازم است قلمرو معنای تحت‌اللفظی حوزه مبدأ (کشتزار) مرور شود: بستری برای کشت بذر؛ نیازمند اعمال روش صحیح زراعت برای دستیابی محصول؛ نیازمند رسیدگی و توجه برای حفظ حاصل‌خیزی؛ نیازمند مراقبت در برابر آفات برای حفظ سرسبزی و دوام. همچنین از ویژگی‌های کشتزار این است که نگاه کردن به آن و برداشت محصول از آن موجب آرامش و سرور می‌شود. جدول زیر مجموعه‌ای از تناظرهای میان دو قلمرو مفهومی مبدأ و مقصد را نشان می‌دهد.

جدول ۲: نگاشت عناصر مفهومی حوزه مبدأ بر عناصر حوزه مقصد در استعاره مفهومی «زنان کشتزار هستند».

حوزه مقصد	حوزه مبدأ
قابلیت باروری دارد.	قابلیت پذیرش بذر دارد.
برای انعقاد نطفه باید اصول روابط زناشویی رعایت شود.	برای دستیابی به محصول باید کشت و کار به روش اصولی انجام پذیرد.
برای ایفای درست نقش همسری باید توجه و رسیدگی لازم و کافی دریافت کند.	برای حاصل‌خیزی باید توجه و رسیدگی لازم و کافی دریافت کند.
برای سلامت جسم و روح باید فضای امن و مناسب برای او فراهم باشد.	برای پایداری و حفظ سرسبزی باید در برابر آفات محافظت شود.
معاشرت و زیستن با او موجب انس و شادمانی است.	تماشای آن و بهره‌برداری از برکاتش بهجت‌آفرین و آرامش‌بخش است.

۴-۳- تحلیل نمونه‌هایی از معادلیابی مترجمان برای استعاره مفهومی حرث

در این قسمت روش‌ها و میزان موفقیت ترجمه‌های معاصر به زبان فارسی و همچنین دو ترجمه انگلیسی از خانم‌ها صفارزاده و بختیار، در معادلیابی برای واژه حرث با توجه به دامنه

پوشش عناصر مفهومی حوزه مبدأ در نام‌نگاشت «زنان کشتزار هستند»، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

همان‌طور که گذشت «حرث» در جایگاه اسمی به معنای کشتزار و محل کشت بوده و در حالت مبالغه به خود محصول نیز اطلاق می‌شود.

مطابق نظر نیومارک هرگاه انتقال عینی استعاره از زبان مبدأ، کاربرد آن را در زبان مقصد حفظ کند، می‌توان از روش ترجمه تحت‌اللفظی استفاده نمود. استعاره «کشتزار» در ادبیات فارسی شناخته شده است؛ مانند:

تخم وفا و مهر در این کهنه‌کشتزار آنگه عیان شود که رسد موسم درو.
یا:

به کشتزار ادب، تا به شصت سال دگر ز خرمن ثمرات تو، خوشه باید چید.
یا:

من می‌روم تا کشتزار اندیشه و سبز می‌شوند جوانه‌های معطر.

اشرفی تبریزی، الهی قشمه‌ای، برزی، کرمی، عاملی و صفارزاده (در ترجمه انگلیسی) این روش را برگزیده و واژه «کشتزار» را در مقابل حرث به کار برده‌اند:

- زنان شما کشتزارند مر شما (اشرفی تبریزی).
- زنان شما کشتزار شماپند (الهی قشمه‌ای).
- زنان شما (به منزله) کشتزار شما هستند (برزی).
- زنان تان کشتزار شماپند (کرمی).
- زنان تان برای تان چو کشتزارند (عاملی).
- Your wives are as a tilth for you (صفارزاده).

در همه ترجمه‌های تحت‌اللفظی فوق، از قلمرو معنایی حوزه مبدأ عناصر «قابلیت پذیرش بذر»، «لزوم توجه و رسیدگی» و «لزوم محافظت در برابر آفات» از مفهوم استعاری حوزه

مقصد ادراک می‌شوند.

ارفع، خرم‌دل، مکارم شیرازی، نوبری، کاویان‌پور، خسروانی و بختیار واژه «محل» یا «موضع» را به ترجمه خود افزوده‌اند:

- محل بذرافشانی (ارفع / خرم‌دل / مکارم شیرازی).
- محل زراعت (صادق نوبری).
- محل کشت و زرع (کاویان‌پور).
- مواضع کشت و زراعت (خسروانی).
- Your wives are a place of cultivation for you (بختیار).

مترجمان فوق از میان عناصر حوزه مبدأ، مهم‌ترین ویژگی قابل بیان را «قابلیت پذیرش بذر» دانسته‌اند. تأکید بر ویژگی مکانی می‌تواند از این باب باشد که هرچند استفاده از استعاره کشتزار در زبان فارسی رواج دارد، ولی کاربرد آن برای انسان معمول نیست. لذا ذکر واژه "محل" یا "موضع"، قابلیت باروری زن را در ترجمه پررنگ می‌نماید و استعاره «کشتزار» را به قسمتی از «بدن» زن که محل پذیرش نطفه است، نسبت می‌دهد. چنان‌که ابوحیان نیز در کتاب *البحر المحيط فی التفسیر* در توضیح عبارت شریفه مورد نظر چنین می‌نویسد: «آمیزش به حرث تشبیه شده؛ زیرا نطفه مانند دانه، رحم مانند زمین و فرزند مانند گیاه است» (ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ۴۲۸).

قبلاً گفته شد که حرث برای مبالغه به «حاصل کشت» اطلاق می‌شود. ابن جوزی در *زاد‌المسیر فی علم التفسیر* چنین استدلال می‌کند: «نساؤکم جمع است، پس چرا نگفت حروث؟ فقط حرث را مفرد آورد. زیرا زنان شبیه حرث هستند و از جنس آن نیستند. پس معنی عبارت اینست: زنان مانند محصول شما هستند» (ابن جوزی، ۱۴۰۴ق: ۲۵۱). این معادل تنها در ترجمه مصطفوی به کار رفته است:

- زنهای شما محصول جریان عمل شما هستند (مصطفوی).

مصطفوی در تفسیر خود از عبارت شریفه، معنای «لزوم توجه و رسیدگی»، «لزوم محافظت در برابر آفات» و «سرورآفرین و آرامش‌بخش» را از میان حوزه مفهومی کشتزار برگزیده و می‌نویسد: «زنهای شما دستاورد و محصول برنامه و جریان زندگی دنیوی شما می‌باشند و همان‌طور که با تربیت زراعت و حفظ آن از آفات محصول مطلوبی برای شما حاصل می‌گردد، تربیت و حفظ همسر نیز بهترین محصول را بطور مطلق و مطلوب خواهد داد و با انس و همسری و همراهی و یاری آنان می‌توانید زندگی سالم و توأم با طمأنینه خاطر و آرامش دل و خوشی عیش و شادی و سرور داشته باشید» (مصطفوی، ۱۳۸۵ش، ج ۳: ۱۵۶).

یکی از روش‌های ترجمه، برگرداندن استعاره به استعاره‌ای دیگر است که همان معنا را داراست (غفارزاده و جلیلی‌مرند، ۱۳۹۷ش: ۶۳). این روش در ترجمه ملکی بکار گرفته شده است:

• بانوانتان باغ و بوستان شمایند (ملکی).

هرچند کشتزار و باغ و بوستان مقولات متفاوتی هستند، شباهت‌هایی میان آنها وجود دارد: در آنها کشت و کار انجام می‌شود و برای بهره‌برداری نیازمند مراقبت و رسیدگی هستند. نکته اینجاست که در باغ به جز درختان میوه، درختان غیرثمر و سایه‌انداز نیز کاشته می‌شود. باغ محصول می‌دهد و علاوه بر آن در زبان فارسی، همچون بوستان، تداعی‌کننده فضای روح-بخش است و محل تفرج و آرامش. مصطفوی نیز در کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* می‌نویسد: «وجه تشبیه (کشتزار و زنان) از این جهت است که همان‌گونه که دیدن مزرعه آباد موجب ابتهاج و سرور می‌شود، زنان هم برای شوهرانشان چنین حالتی دارند که شوهران با دیدن آنان به آرامش می‌رسند، چنان‌که در جای دیگر فرمود: ﴿خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾ (الروم/۲۱)» (مصطفوی، ۱۳۸۵ش، ج ۲: ۲۱۹). در نتیجه ملکی با تبدیل استعاره «کشتزار» به استعاره «باغ و بوستان»، تمامی عناصر حوزه مبدأ را به حوزه مقصد منتقل نموده است.

۴-۴- ترجمه پیشنهادی

عبارت پیشنهادی این پژوهش «بانوانتان باغ و بوستان شمایند» می‌باشد. زیرا تمام قلمرو معنایی حوزه مبدأ را در نام‌نگاشت «زنان کشتزار هستند»، پوشش می‌دهد. ضمناً همان‌گونه که مفهوم در زبان مبدأ از طریق استعاره بیان شده، پیام متن را از طریق استعاره به زبان مقصد منتقل می‌نماید.

بارلاس در کتاب *زنان مومن در اسلام* با استدلال دیگری چنین پیشنهاد می‌دهد: «حرث در آیه ۲۲۲ سوره بقره، به معنای کشتزار است. ولی در آیه ۲۰ سوره شوری ﴿مَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الْأُخْرَىٰ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْأُخْرَىٰ مِنْ نَصِيبٍ﴾ (الشوری/۲۰) ترجمه‌های متفاوتی از آن ارائه شده است: «محصول» و «پاداش». «محصول» همانند «کشتزار» در زبان عربی زمان نزول، معادل تحت‌اللفظی حرث بوده است. اما اگر بخواهیم همتایی برای «حرث» بیابیم که هم به معنای زارعت/بارور کردن زنان باشد، و هم مفهوم پاداش را در خود داشته باشد، نزدیک‌ترین کلمه «باغ» خواهد بود. باغ‌ها، محل آرامش و رزق و روزی جسم و روح‌اند. باغ‌ها همواره کسانی که به آنها تمایل دارند را اجابت کرده و به ایشان نصیب و پاداش می‌دهند: باغ‌ها زنده هستند. چنین معادلی، استعاره حرث را در هر دو آیه قرآنی معنا می‌بخشد» (Barlas, Raeburn Finn, ۲۰۱۹: ۴۷).

۵- نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش که بر اساس رویکرد زبان‌شناختی به مطالعه دو استعاره مفهومی بدیع قرآنی مربوط به زنان پرداخته، از این قرار است:

- ۱- بیشتر دانسته‌های دینی در بر دارنده مفاهیم انتزاعی‌اند و استعاره مفهومی با برقراری ارتباط و انسجام میان حوزه‌های ملموس و عینی‌تر، درک مفاهیم انتزاعی و مجرد را هموار می‌کند. از سوی دیگر، استعاره‌ها، ایده‌های بدیعی برای اقناع و اثرگذاری بر مخاطبین ارائه می‌دهند. قرآن کریم، سرشار از استعاره‌هایی است که هر کدام کلیدی

برای بازشناسی زندگی معنوی و کشف جهان‌بینی اسلامی است. در زبان قرآن، روابط دو جنس، برخوردار عنصری انتزاعی است که ابعاد مختلف آن به اشکال گوناگون برای انسان مفهوم‌سازی شده تا عینی و قابل درک شوند.

۲- تصویرسازی قرآن از زنان منجر به تولید نام‌نگاشت‌های استعاری شده است. نام‌نگاشت‌های «زنان، لباس هستند»، «زنان، کشتزار هستند» از نام‌نگاشت‌های پر رنگ در بازنمایی جایگاه زنان در قرآن هستند. حوزه‌های مفهومی مورد استفاده در استعاره‌های مربوط به زنان، از تجربه‌های زیستی و فرهنگی متداول آن دوران متأثر است. گاه قرآن با گزینش ویژگی‌های خاصی از یک حوزه مفهومی، بار احساسی و عاطفی گزاره‌ها را افزوده است. گاهی نیز به همین شیوه، هیجان و پویایی مضاعفی در روح و ذهن مخاطب ایجاد می‌کند، به حدی که گرایش و انگیزه‌ای قوی به بروز رفتاری خاص در وی منجر شود. بدین ترتیب، جنبه‌های عاطفی استعاره‌های مربوط به زنان از زوایای مورد تأکید در مفهوم‌سازی‌های قرآنی است. استعاره‌های مفهومی این امکان را به ما می‌دهند که با بهره گرفتن از حوزه‌های مبدأ جدید از چشم‌اندازی نو به تماشای یک تجربه دیرین بنشینیم.

۳- از دیگر دستاوردهای پژوهش حاضر، افزون بر تبیین سطوح جدید معنایی در فهم آیات قرآن، دستیابی به شیوه‌ای نوین به منظور فهم دقیق‌تر آیات و بهبود تفاسیر و ترجمه‌های آیات است. به تعبیر دیگر، این نوع پژوهش‌های میان‌رشته‌ای می‌تواند به تأیید یا تصحیح تفاسیر، کشف وجوه شباهت و افتراق بین دیدگاه‌های تفسیری و درک بهتر فضاهای علمی کمک بسزایی کند. لذا، این‌گونه تحقیقات می‌تواند ضرورت کاربست رویکردهای نوین زبانی در بهبود و تدقیق ترجمه‌های قرآن را بر مخاطبین آشکار نماید.

۴- یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در نام‌نگاشت «زنان لباس هستند»، عناصر

بررسی معادل‌یابی استعاره‌های مفهومی «لباس» و «کشتزار» در باره زنان... - مرضیه محمص و مونا مثنوی

مفهومی قلمرو مبدأ (لباس) در زبان عربی و زبان و فرهنگ پارسی و انگلیسی هم- پوشانی دارند. لذا ترجمه تحت‌اللفظی برای انتقال معنای کلام الهی در عبارت شریفه ﴿هَنْ لِبَاسٍ لَكُمْ﴾ (البقره/۱۸۷)، روش مناسبی به نظر می‌رسد. لیکن برای تسهیل درک مخاطب از معانی ظریف و بلند استعاره «لباس»، بهتر است این شیوه با درج افزوده تفسیری به متن همراه باشد.

- ۵- در رابطه با نام‌نگاشت «زنان کشتزار هستند»، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که عناصر حوزه مبدأ (کشتزار)، برای مخاطب زمان نزول که به مقوله زمین و زراعت اشتغال و تعلق خاطر داشته، بر عناصر حوزه مقصد (زنان) منطبق بوده است. اما از آنجا که در زبان و ادب فارسی، واژه کشتزار استعاره از مفاهیم انتزاعی چون اندیشه، ادب و... بوده و بطور معمول برای انسان به کار نمی‌رود، لذا معادل «باغ و بوستان» برای تسهیل درک مخاطب امروز از مفاهیم این استعاره موجز و بلیغ پیشنهاد می‌شود.
- ۶- همچنین مشخص شد در زبان انگلیسی نیز واژه garden، به این دلیل که تمامی معانی حرث در سراسر کلام خداوند را پوشش می‌دهد (زراعت/باروری/بهره اخروی)، معادل مناسبی می‌باشد.

۶- پی‌نوشت

۱. در ترجمه انگلیسی خانم بختیار از قرآن کریم هر جا واژه‌ای در آیه مستقیماً به زنان و یا ضمایر مربوطه مانند (هی، ها، هن) اشاره می‌کند، بعد از آن، نشانه (f) قرار گرفته تا نشان دهد که واژه به جنسیت مونث اشاره دارد.

منابع

* قرآن کریم

- ۱- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت: المکتب

الإسلامی، (۱۴۰۴ق).

- ۲- ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، (۱۴۲۰-۱۴۲۱ق).
- ۳- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تأویل مشکل القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة، (۱۴۲۳ق).
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، (۱۴۰۸ق).
- ۵- ابو حیان، محمد بن یوسف؛ جمیل، صدقی محمد؛ البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر، (۱۴۲۰ق).
- ۶- صبور اردوبادی، احمد، قداسات ذاتی زن، تهران: رسالت قلم، (۱۳۸۵ش).
- ۷- منصوری لاریجانی، اسماعیل، «زن در مفاهیم بدیع قرآنی»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۷، ص ۴۲-۴۷، (۱۳۷۹ش).
- ۸- جبل، محمد حسن، المعجم الإشتقاقی الموصول لألفاظ القرآن الکریم، قاهره: مکتبة الآداب، (۱۴۳۱ق).
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء، (۱۳۸۷ش).
- ۱۰- جوهری، اسماعیل بن حماد؛ عطار، احمد عبدالغفور؛ الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین، (۱۴۰۴ق).
- ۱۱- خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دار الفکر العربی، (۱۴۲۴ق).
- ۱۲- خلیل بن احمد؛ آل عصفور، محسن؛ مخزومی، مهدی؛ سامرائی، ابراهیم؛ العین، قم: مؤسسة دار الهجرة، (۱۴۰۹-۱۴۱۰ق).
- ۱۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ داوودی، صفوان عدنان؛ مفردات ألفاظ

القرآن، بیروت: دار الشامیه، (۱۴۱۲ق).

۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ ترجمه و تحقیق مفردات ألفاظ القرآن، ترجمه خسروی حسینی، غلامرضا، تهران: المكتبة المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، (۱۳۸۳ش).

۱۵- زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، بیروت: دار الفکر المعاصر، (۱۴۱۸ق).

۱۶- زمخشری، محمود بن عمر، أساس البلاغة، بیروت: دار صادر، (۱۳۹۹ق).

۱۷- سیدقطب، ابراهیم حسین الشاربی، التصوير الفنی فی القرآن، قاهره: دار الرو، (۱۴۳۴ق).

۱۸- سیدقطب، ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشرو، (۱۴۰۸ق).

۱۹- شریف رضی، محمد بن حسین، تلخیص البیان فی مجازات القرآن، تحقیق حسن محمد عبدالغنی، بیروت: دار الأضواء، (۱۴۰۶ق).

۲۰- شیرزاد، محمد حسن؛ شیرزاد، محمد حسین؛ مصلائی پور، عباس؛ «ریشه-یابی ماده «لبس» و نقش آن در فرآیند معادل‌یابی در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن کریم»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۳، شماره ۵، ۱۲۱-۹۱، (۱۳۹۵ش).

۲۱- صاحب بن عباد، المحیط فی اللغة، به کوشش محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الكتاب، (۱۴۱۴ق).

۲۲- طباطبایی، محمد حسین؛ تفسیر المیزان (ترجمه)، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، (۱۳۷۸ش).

- ۲۳- طیب، عبدالحسین؛ موسسه جهانی سبطین علیهما السلام؛ *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه سبطین، (۱۳۸۶-۱۳۸۷ش).
- ۲۴- غفارزاده، ثریا؛ جلیلی مرند، ناهید؛ «ترجمه‌پذیری تعابیر تشبیهی و استعاری در قرآن کریم با تکیه بر ترجمه‌های فرانسوی حمیدا... و کازیمیرسکی»، *مطالعات ترجمه قرآن*، دوره ۵، شماره ۹، ۷۸-۵۳، (۱۳۹۷ش).
- ۲۵- فخر رازی، محمد بن عمر، *مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی، التفسیر الکبیر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۲۶- فضل‌الله، محمدحسین، *من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر و التوزیع، (۱۴۱۹ق).
- ۲۷- قاسم‌زاده، حبیب‌الله، *استعاره و شناخت*، تهران: فرهنگان، (۱۳۷۹ش).
- ۲۸- قائمی‌نیا، علیرضا، *بیولوژی نص*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (۱۳۸۹ش).
- ۲۹- قائمی‌نیا، علیرضا، *استعاره‌های مفهومی و فضاها*ی قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (۱۳۹۶ش).
- ۳۰- کوچش، زولتان، *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*، ترجمه شیرین پورابراهیم، تهران: سمت، (۱۳۹۳ش).
- ۳۱- گرت، استفانی، *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتابیون بقایی، تهران: نشر دیگر، (۱۳۸۰ش).
- ۳۲- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، طهران: مرکز نشر آثار العلامة مصطفوی، (۱۳۸۵ش).
- ۳۳- مکارم شیرازی، ناصر، *جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، (۱۳۷۴-۱۳۷۱ش).

بررسی معادل‌یابی استعاره‌های مفهومی «لباس» و «کشتزار» درباره زنان... - مرضیه محمص و مونا مثنوی

۳۴- مویر، آن؛ جسل، دیوید؛ جنسیت مغز، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران: لیوسا، (۱۳۹۹ش).

- 35- Bakhtiar, L. "The Sublime Quran: The misinterpretation of Chapter ۴ Verse ۳۴", *European Journal of Women's Studies*, ۱۸(۴), ۴۳۱-۴۳۹, (۲۰۱۱).
- 36- Barlas, A.; Raeburn Finn, D.; *Believing Women in Islam: A Brief Introduction*, University of Texas Press, (2019)
- 37- <https://en.wiktionary.org/>
- 38- Jakel, O., "Hypotheses Revisited: The Cognitive Theory of Metaphor Applied to Religious Texts", *metaphorik.de*, (2), 20-42, (2002).
- 39- Johnson, M., *The Body in the Mind*, Chicago: The University of Chicago Press. (1987).
- 40- Lackoff, G.; Nunez, R.; *Where Mathematics Comes From*, New York: Basic Books, (2000).
- 41- Lakoff, G.; Johnson, M.; *Metaphors We Live By*, Chicago: The University of Chicago Press, (2003).
- 42- Maccob, R.; Jacklin, C.; "The psychology of Sex Differences", Stanford: Stanford University press, 425-395, (1974).
- 43- Ortony, A. (ed.), *Metaphor and Thought*, New York: Cambridge University Press, (1993).
- 44- Shokr, A.; Banha, M.; "The Metaphorical Concept "Life is a Journey" in the Qur'an: A Cognitive-Semantic Analysis", *metaphorik.de*, 94-132, (2006).